



اولین مدرسه‌ی نوین در دارالسعاده‌ی خمسه

عبدالعزیز قائمی^۱

چکیده:

نوشته‌ی حاضر به بررسی و تشریح تاریخی‌چهره‌ی شکل‌گیری و تأسیس اولین مدرسه به سبک نوین و نوین‌یاد در دارالسعاده خمسه با استناد به منابع دست اول و منابع مکتوب و نشریات دوره‌ی قاجار و کتب مرتبط با موضوع، می‌پردازد.

این نوشتار نظریه‌ی اکثر محققین و پژوهشگران قبلی مبنی بر این‌که مدرسه‌ی همایونی اولین مدرسه‌ی نوین خمسه بوده را با استناد به منابع دوره‌ی قاجار رد می‌نماید.

کلید واژگان:

زنجان، مکتب‌خانه‌ها، مدارس نوین، مدرسه کمال

مقدمه

پایه‌های نخستین نظام آموزشی نوین ایران بیش از یک قرن پیش در زمان مظفرالدین شاه قاجار

۱. پژوهشگر تاریخ و فرهنگ زنجان و از مؤسسان و عضو هیأت مدیره انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان



پی‌ریزی شد. ترقیات جدید و پیشرفت‌های ممالک دیگر اجازه نمی‌داد که مدارس شهرهای ایران از جمله کرسی خمسه به همان سبک و سیاق سنتی که همانا مکاتب بود، باقی بماند. در همین دوره بود که بنیادهای نظام آموزشی کهن، اندک اندک و در رویارویی با روشنفکران و طرفداران نظام نوین آموزشی در هم ریخت و سرانجام جای خود را به نظام جدید آموزشی داد؛ نظامی که از آن زمان تاکنون با تغییراتی چند نظام آموزشی رسمی ما را تشکیل می‌دهد.

دوره‌ی مظفرالدین شاه آغاز تحولات فرهنگی در ایران است. در این هنگام بود که تأسیس نخستین مدرسه به سبک جدید آغاز شد و نهادهای رسمی آموزشی چون وزارت علوم، وزارت معارف، سازمان‌ها و جمعیت‌های فرهنگی و انجمن معارف تشکیل و به دنبال آن نظام آموزشی نیز دستخوش دگرگونی شد و مدارس نوبنیاد یکی پس از دیگری گشایش یافت و روزنامه‌ها از آزادی نسبی برخوردار شدند و در محتوای آنها تحولات نسبی رخ داد.^۱

برای نخستین بار در بسیاری از شهرها اداره‌ی فرهنگ تأسیس و آموزش و پرورش دولتی رسماً فعال شد. شمار انجمن‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فزونی یافت. کتاب‌های آموزشی، تاریخی، ادبی، علمی و فنی و ... بسیاری چاپ و منتشر شد. برای نخستین بار پانزده نفر برای تحصیل به کشورهای اروپایی اعزام شدند که از آن میان برخی از فارغ‌التحصیلان پس از بازگشت به ایران در مصدر کارهای فرهنگی قرار گرفتند و خدماتی نیز انجام دادند. مسأله آموزش و پرورش در بسیاری از مجلات و روزنامه‌های وقت مطرح شد و برخی از جراید به آن اختصاص یافت. در آموزش و پرورش زنان تحولاتی پیش آمد و برای نخستین بار دختران و زنان توانستند به صورت رسمی در مدارس به تحصیل بپردازند. دانشکده‌هایی در زمینه‌های حقوق و علوم سیاسی و کشاورزی و داروسازی تأسیس شد.

نظام آموزشی سنتی تا دوره‌ی مظفرالدین شاه

در اینجا لازم است قبل از پرداختن به تأسیس مدارس نوین اشاره‌ای به مدارس سنتی داشته باشیم. آنچه مسلم است تا پیش از پیدایش و طلوع مشروطیت، نظام آموزشی ایران و دارالسعاده‌ی

۱. البته همه این‌ها در زمان صدارت امین‌الدوله بود. همین که امین‌السلطان در ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۶ ق دوباره به صدارت رسید مجدداً از اقدام‌های فرهنگی آغاز شده جلوگیری کرد.



خمسه را مکاتبی چندگانه تشکیل می‌دادند که از سوی مکتب داران زن و مرد اداره و مدیریت می‌شدند. نوآموزان پسر، توسط معممین، ملا، ادیب، شیخ، استاد، آقامیرزا^۲ و کتابداران قدیم و نوآموزان دختر از سوی ملاباجی‌ها یا آخوند باجی‌ها، خاله باجی‌ها، میرزا باجی‌ها، شاه باجی‌ها و یا خان باجی‌ها^۳ آموزش مقدماتی را که عموماً به صورت شفاهی^۴ صورت می‌گرفت، فرا می‌گرفتند. در بین این مدرسین واقعاً اشخاصی پیدا می‌شده‌اند که از هر لحاظ در علوم ادبیات عرب و فقه و اصول و حکمت سرآمد و به تربیت ابناء وطن علاقمند بوده‌اند. آنان به مختصر حقوقی قناعت ورزیده آنچه را که در اثر سالها زحمت و شب‌زنده‌داری و تحمل رنج‌ها و مشقتات گرد آورده بودند با خاطری باز تحویل نوباوگان عصر می‌کردند.^۵ با این حال یکی از علت‌های نوحواهی و گرایش به گسترش مدارس جدید، وضع آموزشی مکتب خانه‌ها و پیامدهای آموزش آنها بوده است که پیوسته مورد انتقاد آزادیخواهان و فرهنگ‌دوستان و فرهنگ‌پژوهان و علاقه‌مندان به پیشرفت و توسعه قرار می‌گرفت.

نخستین جایگاه مکتب خانه‌ها، مساجد بودند که معمولاً در گوشه‌ای از آن و یا در شبستان‌ها تشکیل می‌شد. در دوره‌ی قاجار مکتب‌خانه‌ها علاوه بر مسجد، در تکایا، سرگذرها، دکان‌ها، خانه‌های شخصی آخوندها و مکتب‌داران و یا خانه‌های کسانی که رایگان آنها را در اختیار آخوندها یا مکتب‌دارها می‌گذاشتند در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر تشکیل می‌شد. مکتب‌خانه‌های خصوصی از آن شاهزادگان و رجال و به طور کلی فرادستان جامعه بود که دارای خانه‌های متعدد و اندرونی و

۱. محمد رضا روحانی، فرهنگنامه زنجان، ۱۳۴۷

۲. مخفف میرزاده و میرزاد و آمیزاده، پیشتر از القاب شهزادگان بود، مردم شریف و پاک نژاد، مردم شاد و مغرور، کاتب و نویسنده و منشی، چون در اول نام درآید اطلاق به نویسندگان خاصه اهل حساب می‌شده است. دفتردار، حسابدار، محاسب، به شخصی گفته می‌شود که مادرش از سادات باشد (دهخدا) لقب میرزا به عنوان یکی از القاب اجتماعی برای گروه‌های مختلف درباری، سیاسی و مذهبی به کار می‌رفته و در برخی از دوره‌ها از اهمیت و ارزش فراوانی برخوردار بوده است. میرزا در دوره‌ای از زمان به روحانیون متوسط و معمولی گفته می‌شد و به تدریج از اواسط دوره‌ی قاجاریه به روحانیون طراز اول و در حد مرجع تقلید اختصاص می‌یافت.

۳. در زنجان به ملاباجی مشهور بود. به خانم معلمی می‌گفتند که دانش مختصری داشت و در بیشتر موارد عاقله زنی بود که بیش از علم و دانش، تجربه زندگی داشت. «ملا» و «آخوند» نیز لفظی بود که در مورد مردان و زنان دارای دانش و سواد که سوادشان بیشتر در زمینه‌های دینی بود به کار می‌رفت. وظیفه آخوند باجی‌ها آموزش کودکان چهار تا هفت ساله بود. برخی از اینان واقعا «عالمه» بودند، اما برخی دیگر که بیشترین این نفرات را تشکیل می‌دادند، سواد و آگاهی‌های چندانی نداشتند. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان

۴. حفظ متون درس. به دختران فقط خواندن یاد داده می‌شد و نوشتن نباید می‌آموختند. دیدن دستخط دختر توسط مرد نامحرم گناه محسوب می‌شد.

۵. محمد رضا روحانی، فرهنگنامه زنجان، ۱۳۴۷



بیرونی بودند و به دور از مکتب‌خانه‌های عمومی تشکیل می‌شد.^۱ مکتب‌داران با روش‌های خاص خود این مراکز آموزشی سنتی را اداره کرده و به کار خطیر تعلیم و تعلم محصلین مشغول بودند. صورت ظاهری مکتب‌خانه‌ها را زیراندازهائی از حصیر، نمد، گلیم مندرس، تشکچه و یا قالیچه‌ی کهنه که نوآموزان از خانه‌هایشان با خود به مکتب‌خانه می‌آوردند، تشکیل می‌داد. استاد مکتب‌دار به تنهائی مدیر، ناظم و معلم بود. در پذیرفتن شاگرد رعایت سن و سال لحاظ نمی‌شد و دانش آموزان با تنوع سنی روی تشکچه‌ی خود نشسته و دروس مکتب‌دار را فرا می‌گرفتند.

تعلیمات استاد مکتب‌دار گاهی اوقات با گوشمالی‌های زیادی همچون استفاده از ترکه‌ی آلبالو و یک چوب بلند و یا گذاشتن قلم لای انگشتان و فشار دادن آن و گاهی هم با فلک بستن محصلین نافرمان، مواجه می‌شد. تنبیه دختران با نیشگون گرفتن و سوزن زدن پشت دست انجام می‌یافت.^۲ ارکان اصلی آموزش و تدریس مکتب‌خانه‌ای از یادگیری هجا یا «هجی»^۳ و حروف ابجد، و قرائت عمّ جزء^۴ و حفظ آن تشکیل می‌شد. و در همین حین نیز خواندن تاریخ نادری، کلثوم ننه، کتاب قمری، تنبیه الغافلین، موش و گربه عبید زاکانی، کتاب عاق والدین، گلستان سعدی و در برخی موارد آموزش خطاطی با قلم نی و گاهی هم سیاق^۵ آموزش داده می‌شد. شیوه‌ی یادگیری مکتب‌خانه‌ای برخلاف مدارس امروزی که اکثر برنامه‌های درسی با نظر مدیر مدرسه و معلم کلاس اجرا می‌گردد از روی متن واحدی نبوده، بلکه فرزندان با توصیه‌ی پدران و مادران خود که به صاحب مکتب‌خانه دیکته می‌شد، دروس را فرا می‌گرفتند.^۶

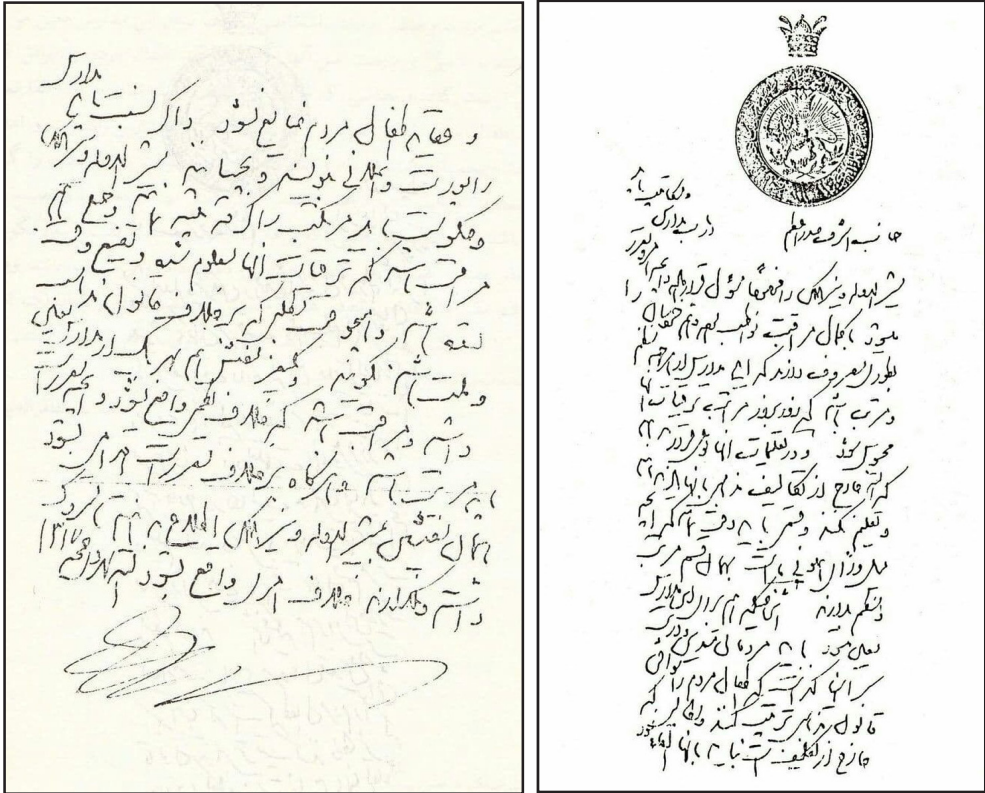
۱. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۴۵.
۲. فرج اله داودی و عبدالعزیز قائمی، تاریخچه‌ی اولین دبیرستان دولتی زنجان، فصلنامه فرهنگ زنجان، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۷.
۳. یعنی هر حرفی را به اسمی و شکلی و چیزی تشبیه می‌کردند. اوزونجا (الف)، یاتان آلتیندا بیر نوقاط (ب)، ایکی نوقاط اوسته (ت)، ... اوسته بیر نوقاط خاء (خ)، بیلی بوکوک هئچ زادی بوخ دال (د)، ... باشی چوماق (و)، ایکی گوزلی (ه)، ...
۴. روخوانی جزء آخر قرآن که در زنجان به عمّ چَرکه مشهور بود.
۵. نوعی علم حساب مقادیر و اعداد و اوزان و طول مسافت
۶. فرج اله داودی و عبدالعزیز قائمی، تاریخچه‌ی اولین دبیرستان دولتی زنجان، فصلنامه فرهنگ زنجان، شماره‌ی ۵۲، زمستان ۱۳۹۷.



مکتبخانه‌ی دوره‌ی قاجار در ابهر سال ۱۲۹۳

پس از خاتمه‌ی دوره‌ی مکتب‌خانه و ختم قرآن و آموزش شرایع و قوانین، دانش پژوهانی که علاقمند به ادامه‌ی تحصیل بودند به عنوان طلبه، وارد حوزه‌های علمیه می‌شدند و به یادگیری علوم دینی از جمله فقه و اصول و فلسفه و منطق و حکمت و ... می‌پرداختند. دسته‌ای از طلاب که آمادگی بیشتری داشته و از حمایت مالی والدین و یا دیگران برخوردار بودند و عطش زیادی برای تحصیل داشتند، برای تکمیل تحصیلات خود راهی اصفهان و نجف و قم می‌شدند و در حضور فقها و مراجع تقلید و دانشمندان عصر شروع به تکمیل دانش و فضل خود می‌کردند و بعد از دریافت مجوز اجتهاد و یا اجازات دیگر به عنوان يك عالم مذهبی به ولایت‌شان باز می‌گشتند و یا گاهی اوقات هم در همان حوزه‌ها جهت تربیت و تدریس و نشر علوم و معارف اسلامی اقامت می‌نمودند.^۱ نظام آموزشی سنتی تا دوره‌ی مظفرالدین شاه به همان سبک و سیاقی که ذکر شد، ادامه یافت تا این که در این دوره، دستاوردهای غربیان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و علمی و فنی چنان گسترده و شگفت‌انگیز پیش می‌رفت که توجه تمامی جهانیان را به خود جلب کرد و روشنفکران و مصلحان کشورهای عقب مانده را بر آن داشت تا برای رهایی از این عقب ماندگی چاره‌ای بیاندیشند و خود را از یوغ جهل و عقب ماندگی نجات دهند. در کشور ما نیز که سالها از پیشرفت‌های فرهنگی و علمی بازمانده بود، فکر تغییر و دگرگونی آرام آرام جوانه زد و روشنفکران تحت تأثیر ضرورت‌ها و نیازهای داخلی و دستاوردهای دنیای غرب لزوم تغییر و تحول را به وسایل

گوناگون به گوش هوشیاران رساندند و پس از کارزاری سخت با کهنه اندیشان و مخالفان تغییر و تحول، به موفقیت‌هایی دست یافتند. و در نهایت مظفرالدین شاه مجاب به صدور فرمان تأسیس مدارس نوین شد که زمینه ساز دگرگونی‌های و تحولات مهمی در زمینه‌ی فرهنگ و آموزش جدید، با وجود مخالفت‌ها و سنگ اندازی‌های زیاد شد.



متن فرمان مظفرالدین شاه قاجار در باب تأسیس مدارس نوین:

جناب اشرف صدراعظم

در باب مدارس و مکاتب باید مشیرالدوله و نیرالملک را مخصوصاً مسئول قرار داده و آنچه امر و مقرر می‌شود با کمال مراقبت بوده و هم خودشان را به طوری مصروف دارند که این مدارس از هر جهت



منظم و مرتب باشد که روز به روز مراتب ترقیات آنها محسوس شود و در تعلیمات آنها نوعی قرار بدهند که البته خارج از تکالیف مذهبی به آنها یاد ندهند و تعلیم نکنند و قسمی باید دقت نمایند که آنچه میل و رأی همایونی ماست به همان قسم مرتب و منظم بدارند، اشخاصی که هم برای این مدارس معین می‌شود باید مردمان متدین و درست سر آنها گذاشت که اطفال مردم را موافق قانون مذهبی تربیت کنند و مطالبی که خارج از تکلیف است نباید به آنها القا نمود و عقاید اطفال مردم ضایع نشود و اگر نسبت به این مدارس راپرت و اعلانی بنویسند و بچسباندن مشیرالدوله و مشیرالملک و حکومت باید مرتکب را گرفته، تنبیه نمایند و خیلی هم مراقب باشند که ترقیات آنها معلوم شده و تزییع وقت نشده باشد و یا هیچ وقت مطلبی که برخلاف قانون مذهب و ملت باشد، نگویند و یک نفر مفتش هم به هر یک از مدارس معین داشته و مراقب باشد و هرگاه برخلاف مقررات اقدامی شود، همان مفتشین به مشیرالدوله و نیرالملک اطلاع بدهند تا متروک داشته و نگذارند خلاف امری واقع بشود البته، شهر ذی حجه ۱۳۱۷. امضا - مظفرالدین شاه^۱

به دنبال این فرمان نظام آموزشی دستخوش دگرگونی شد و مدارس نوینیا یکی پس از دیگری تأسیس گردید.

سرآغاز تأسیس مدارس نوین در دارالسعاده‌ی خمه

تلاش برای تأسیس مدرسه به سبک جدید در دارالسعاده‌ی خمه به زمان حکومت محمودخان علامیر ملقب به احتشام السلطنه در دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه باز می‌گردد.^۲ او که فرد فرهنگ دوستی بود درصدد تأسیس مدرسه به سبک جدید برآمد، اما با مخالفت و برخورد شدید دربار مواجه شد! از همان زمانی که حکومت خمه را عهده دار شد، افکار تازه در زمینه‌ی حقوق مردم و آزادی و آزادی خواهی و توسعه و ترقی مملکت در وی پدیدار گشت. احتشام السلطنه این افکار را در نتیجه‌ی کسب اطلاعاتی از انقلاب فرانسه و از راه آشنایی با زبان فرانسه و با مطالعه کتابها و مجلات فرانسوی، به دست آورده و آرزو و خواست قلبی وی کاستن آلام و گرفتاری‌های مردم بود، اما ابزار و قدرت چنین کاری را نداشت.

۱. کانال تلگرامی ممالک محروسه ایران به نقل از روزه قهرمان qajariranhistory

۲. محمود علامیر پسر محمدرحیم خان دولو کشیکچی باشی ملقب به احتشام السلطنه از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ق. حاکم زنجان بود.



محمود خان علامیر (احتمام السلطنه)

وی در خاطراتش می‌نویسد: «خاطر دارم در اوایل ورود به خمسه در جزو راپورت‌هائی که به تهران می‌فرستادم استدعا کردم اجازه فرمایند مدرسه به طرز جدید در زنجان ایجاد نمایم. سواد دستخطی را که در جواب راپورت من داده اند گویا هنوز در طهران دارم و آنچه در نظر دارم این است که شاه متغیر شده دستخط کرده بود: ما در طهران مدرسه داریم. هر کس می‌خواهد بفرستد طهران. او را برای حکومت فرستاده‌اند. نه این فضولی‌ها!»^۱ بدین ترتیب پیرونده‌ی تأسیس مدرسه به سبک نو در زنجان در دوره‌ی ناصری بسته شد و تا زمان مظفرالدین شاه به وقفه افتاد.

مدرسه‌ی کمال

از مدرسه‌ی کمال فقط در روزنامه‌ی تربیت نام برده شده و علی ابوالحسنی (منذر) در کتاب سلطنت

۱. سیدمحمد مهدی موسوی، خاطرات احتمام السلطنه، انتشارات زوار، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۴۶



علم و دولت فقر به نشر یک فقره تصویر از آن^۱ اکتفا کرده و هیچ توضیحی از آن نداده است. در هیچ یک از منابع نامی از این مدرسه نیامده است و جالب این که روزنامه‌ی تربیت قبل از مدرسه‌ی همایونی^۲ از آن ذکر کرده که جهت اطلاع خوانندگان گرامی می‌آوریم.

مدرسه‌ی زنجان

یکی از خیرخواهان مملکت از شهر زنجان کرسی خمسه، خبر و مژده می‌دهد که مردم این بلد از خواب غفلت بیدار شده و مدرسه بوضع جدید دایر کرده و آن را مدرسه‌ی کمال نامیده و بعضی از عبارات نیکخواه محترم این است: روز پنجشنبه سیزدهم شهر ربیع الثانی^۳ بنده‌ی نگارنده احمد دواساز شهیر بجواهری بروجردی بنا بردعوت مدیر مدرسه‌ی مقدسه‌ی کمال^۴ بمجلس امتحان متعلمین آن دارالعلم حاضر شدم. جمعی از امرا و اعیان و اشراف هم حضور داشتند و اسامی ایشان را بعد معروض می‌دارم. الحق شاگردان در این قلیل زمان خوب ترقی کرده بودند قبل از شروع به امتحان خطبه‌ی بلیغی مشتمل بر حمد و نعمت و دعا و ثنای ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه ارواحنا فداه و شکر توجهات شامله‌ی حضرت مستطاب معظم اتابک اعظم مدظله العالی قرائت شد و ختم مجلس نیز بذکر طالبان سعادت ایران بود. هر چند این مدرسه آن قوام و مغز مایه‌ی^۵ که باید و شاید ندارد اما امیدواریم هلال بدر گردد و شام بیقدر شب قدر شود و این بسته بمسطورات حکیمانه‌ی تربیت است و موقوف به آن خیالات بلند و حسن نیت اگر این خبر را قابل دانسته در جریده‌ی غزای خود درج فرمودید یک نمره برای اخلاص کیش بفرستید که آن را در مدرسه ارائه نمایم.^۶

۱. از آرشیو خاندان حسینی

۲. مدرسه‌ی همایونی به عنوان اولین مدرسه‌ی زنجان مشهور است.

۳. برابر با ۱۷ تیر ۱۲۸۲

۴. دکتر کمال معروف به دکتر کمال الدین محمود افندی

۵. مایه‌ای

۶. روزنامه‌ی تربیت، شماره‌ی ۲۸۴، سال ششم، پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری برابر با ۳۱ تیر ۱۲۸۲ شمسی



نور و دست و پست و چپانم

(۱۱۸۸)

دانشی آن خلیفه را میداند و در عالمک مشرقی که آن تریقات سبز
دوست معمول شده اقل شنیده اند که بزرگان میسنه فیند را با چو
الکلام مستقول است که چو پرتو آبی از المصنوع سنی در بسیاری از حوا
کلام مستقول بیشتر از شش موصول اثر میکند

هر یک که از این حرفها بگذرید کتاب بنوط مشیح دارد اما بنده با
شرم می آید که پر طول و کج و معاطات دیگر نینسند دارم با بر این مختصر
نمود عرض میکنم اگر ایران رسم شل یونان در دم و زمین و زمین
داشت کلمات بیخ بنگ داشت با سر از اسب شل زانها بخوابیم در زان
کار در ادبیاتیم چون نگه خندای بیدار کنند و خود خستیم و آنقدر خستیم که
حالا خواب بسیار رخسار شده و با بگت و صد لالی و دم و کدل و دروا
و بچ آن است که باین دست پهای نازک گای نوی کوک شش بر این
خاضه شتران رسیده و هم غافل که اگر سستاشد و جستی در رودگی
نبرد و سپاهین سامانی رحم اندک انار کجین توشین نینسند و در بوی
چاپس هم با آن وقت حسب نسبت بیف بجای کنی انداخته ع

(هزار سال پیش از این) خیلی باقی دارد
(مدرسه زرخان)

یکی از خسته خوانان مکتب از شش زرخان کرسی خسته و مرده پیدا
که در دم این طلا از خواب غفلت بیدار شده و در رسنه وضع جدید و ای
کرده و آن را در رسنه کال نامیده و بعضی از عبارات بخواد محرم این است
(در درخشیده نیز در هم شریع لثانی سته و نگارنده احمد و اساتذ
بجای بر جسدی بنا بر دعوت بر در رسنه معتد کال عیال است

بلا در یک مشغول بود و ضما را از صدا پرسنود برای انگه از این قاشای مطبوع بیشتر شوم بر بر باقی قسم از اطفال که مساکین را بهر یک سوا
از آنجا دور میکرد و در اعتقاد که در آن از عهد امراء دور شدیم از نزدیک چندان بستند از بنگه های دین بود که ششم بوی در دم غنچه
بچاره دوران قانادیم چنانکه افتاده کرد و از از بی میسند و از جادو حاجت طلبند و پشت مرا گرفت و از آن اسپه سلاطین تحمل فرا
کردم در قیامی دیگر چون سینه را در نمودند را شنیدم که اذان شام میگفتند و انتم در پای منار مسجدی هستیم قریب آن مسجد چهار خانها
فرنگیها را دیدیم با بر قیامی ایشان و مستحقین که شغل خردار میگفتند تپان اذان از پهلوی بنای حسیب نور نمود و از صدای زنجیر با و نا نا نواز پایا
که آن آن عمارت بجای می آمد و انتم اینجا زده خانها است و از طرف دیگر آواز آمد و نا نواز صیغارا استماع نموده فهمیدیم آنجا هر چه میخواستیم

مستقلین آن در اصل حاضر شدیم جمعی از ارباب و اعیان و اشراف نام
حضور داشتند و سامی ایشان را یکده مسنه و رض میدارم بحق
شکر گردان در این قیل زان خوب زنی کرده بودند قبل از ششوع
با متخان غلیظینی مثل بر محمد دست و دعا و شای ذات مکتوبی صحافت
آنحضرت اندکس با یون شاینا مشاطه لادین شاه اگردا خاضه
و مکتوبجات شاه حضرت مستطاب مطهر انابت علمتم تعلقه باقی است
شد و خم مجلس سینه بد که کبابان عادت ایران بود هر چند این سینه
بر سنوزان توام و غنچه دایه که با بدوش بد اندازد اما امیدواریم
که با مال بر کرد و شام بیت در شب قدر شود و این سینه مطهرت
بجای تریب است و معروف آن جنالات بند و خنقی است اگر این
خبر را قابل دانسته در جبهه غمخای خود روح فسه نموده یک نگر نه
اخلاص کیش بر سینه که آن را در هر یک اران نامیم

(تریب کت)

خبر صد و صد هاد و در تریب قابل ترین اخبار است بی خبر در کت
کوت با را جا بل و ضعیف میخوانند چندان قابل بی ابر خست
(نقل از جریده یومیت خلاصه الحواش)

ظاهر از نزدیک شش بر خوربا (از با و ترا سوال) سندن
الاس بسیار خوبی پیدا شده و از رفتن در کور تا کنون در مسجیت
از نقاط افریقا چنین معدنی ندیده ام هر دم از هر طرف آن جمیع
ناخته و با کال عرض دلیل اراضی را حاضر میکنند که بجزند و حاشا
خود از آن غنیمت بارده بهره بردن اول از آنکه دولت و صجان ملک



چهار ماه بعد همین نشریه مجدداً از اوضاع مدرسه‌ی کمال خبر می‌دهد و می‌نویسد: چون گفتگو از مدارس و مکاتب بود باید این لاحقه را ضمیمه‌ی آن سابقه نمائیم و بگوئیم جناب مستطاب اجل اکرم وزیر همایون حکمران ولایت خمسه و مضافات ادام الله اقباله‌العالی که از رجال کاردان و اماجد بزرگان می‌باشند و علت قوت و ضعف هر ساحت و صعود و هبوط هر مملکت را می‌دانند علاوه بر انجام مهام جلیله‌ی حکمرانی در امور عملیه که بنیان و اصل سعادت ممالک و دول و مایه‌ی رفاه و آسایش امم و ملل می‌باشد نظر دارند و بنا بر اهمیت این منظور در همین ایام یک روز شاگردان و معلمین و اجزای مدرسه‌ی کمال زنجان را بدارالحکومه احضار نموده قدری متعلمین را امتحان و تشویق فرموده یک ثوب عبا بمعلم ابتدائی و یک ثوب عبا هم بشاگردی که از سادات رفیع الدرجات می‌باشد و در تحصیل زبان فرانسه استعداد خود را ظاهر ساخته مبذول فرمودند و بسایر شاگردان یکی یک اشرفی مرحمت کردند تا برغبت و شوق درس بخوانند و دانستن را چیزی بدانند. علاوه بر این عنایت جناب مستطاب معظم وزیر همایون ضاعف الله اجلاله خود نیز مدرسه‌ی^۱ باسم مدرسه‌ی همایونی در زنجان دایر کرده و مبلّغی^۲ معتدبه^۳ از عین مال خویش باین مصرف عالی رسانیده و وجوهی نیز از آقایان شهر و اجزای حکومت برای تکمیل نواقص این کار خیر جمع شده و انشاءالله ما شرح این مدرسه‌ی مبارکه را بعدها بتفصیل در اوراق تربیت درج مینمائیم. عجاله^۴ باین مختصر که وقایع نگار دانشمند ثقه‌ی ما میرزا احمد دواساز بروجردی از زنجان نوشته بود اقتصار نمودیم تا اخبار مفصل برسد.^۴

۱. مدرسه‌ای

۲. قابل اعتنا

۳. عجالاً

۴. روزنامه‌ی تربیت، شماره‌ی ۲۹۸، پنجشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۲۱ برابر با ۲۷ آبان ۱۲۸۲



نمره دویست و نود و هشتم
(۱۳۹۷)

بمخرج دهبید و علاقه برپای ده با نژده هزار ما بیا نه فرزند
چیزی بجز سوزان خرد خیرات یا وطن پرستی و انسان دوستی
از مال خود برای مدو و پیشرفت کار معارف منظور دارد که
بخواند و اداره و حقیقه تربیت کنایی برای مد ابریس کند تحصیل آسان
نماید در ملک مابینی سزا آنکه که دولت بنیاد گدرد و توان
هر سال بصرف علوم و معارف میرماند باز تو انگران هر روز
ملکت باین کار نمید یکسند که بر فاید ملک وقت بینند
و کشور و مولد خویش ایبار آیند دن با وصلومات و ملاحظت
خود را در این باب برای توضیح میدهم که نشکر کنی و بب
نکر بیا ران کرد

(مدرس زنجان)

چون گفتگو از مد ابریس و مکتب بود باید این لاحت را همیشه
آن ما بجهت ما بگویم جناب مستطاب اجل اکرم وزیر
پایون مکران و ولایت محس و مضافات آدم الله اقبال
عالی که از رجال کاروان و اما جد بزرگان میباشند و
علت قوت و ضعف هر ساخت و صندوق و بسطوط هر ملک را
میدانند علاوه بر انجام تمام حلیه سکرانی در امور حلیه که
بسیان و اهل سعادت مالک و دول و مایه رفاه و
آسایش اعم و اعل میباشند نظر دارند و بنا بر اینست این منظور
در همین ایام بکم روز شاگردان و محصلین و اجزای مدرسه
کال زنجان را بر این حکومت احضار نموده قدری تعلیم را

استحسان و تشویق سینه نموده یک ثوب جماعلم ابتدائی در کتب
جامع بنا کردی که از سادات بر فیح الذرجات میسب باشد
و در تحصیل زبان فرانسه استعداد خود را ظاهرا بر ساخته مبدول
فرمودند و بسیار است گردان یکی یک اشرفی رحمت کردند
تا بر خفت و شوق در پس بخوانند و دستن را چربی بنهند
علاوه بر این عنایت جناب مستطاب مسلم وزیر پایون صف
الله جل جلاله خود سینه مدرسه مدرسه پایون در زنجان
دایر کرده و مبنی مستزید از زمین مال خویش باین معترف
عالی رسانیده و در جوی سینه از آفتابان شمس و اجزای
حکومت برای تحلی زافض این کا خسیه جمع شده و انار اینه
ناشر این مدرسه مبارک را یدک با تفصیل در ادراک تربیت
درج میسب تا بجهت جان بخش که در واقع کار دارند نشسته ما
جناب میرزا احمد و داسا زرد بجهت دی از زنجان نوشته بود
اقتصاد نمودیم تا انجا متصل بسد

(گیلان)

هر کس میداند گیلان از ایالات مملکت ایران امروز استی
بکال دارد و طرف هرگز در حلا سب باشد و همین جهت بدگنا
میسخت شایسته رحمت پناه خدا الله که در مملکت زمام گیری
در فرانسه بانی این ایالت و مضافات یادگفت کفایت فرزند
استد کا مکار خود حضرت اند پس ارفع شایسته بزاده بیستیم
خصد نهلان دامت شوکت ننا و در وقت نهضت آن است

اوستی نموده در بر مکتب با بر حسین بودند و از مالک و پایی تحت ایشان شمس را کش بود در ابرین راهین نیز میگفتند و در
مناسبت گفتگوهایی نقاب بیسورت داشتند که آن را بهر بی نام میگویند و تقم یعنی صاحب نام
در سال ناصد چهل و دو و چری طایفه نوحین مملکت ابرین راهین را شمس فر کردند و احوال نوحین نوحا مال از این فرادست
تخصی از اهل مترک موموم محمدن محمدن نوحرت که کردی عالم و فسیه فر زاده و متوجه بود در آن ناحیه بنای ابر معروف و
نی از مکر را گذاشت و در حفظ رسوم وین کوشید و در قدر قدر دیان و کومی را بلس که کرده اذعای عمدت نمود و جمعی دور او
گرفت با ابرین نامی مخالفت را گذاشتند و عقب نوحین گشتند محمدن نوحرت در آن وقت که بر زرد زنگانی بیگت عمد



دانش‌آموزان مدرسه‌ی کمال

۱. پسر دوم میرزا سلیمان خان ۲. پسر بزرگ میرزا سلیمان خان ۳. داود خان وثیق ۴. یوسف اعتماد(همایون وزیری) ۵. ابوالحسن وثیق ۶. حبیب ا... خان اعتمادالممالک(امینی) ۷. علیمحمد وثیق ۸. عیسی خان وثیق (فرزند ارشد وثیق السلطان) ۹. دکتر کمال معروف به دکتر کمال الدین محمود افندی (مدیر مدرسه‌ی کمالیه‌ی زنجان که معاون مدرسه‌ی همایونی شد) ۱۰. آقا میرزا محمود حسینی موسوی مجتهدی (امام جمعه‌ی اسبق زنجان) ۱۱. نعمت ا... امجد لشگر مافی ۱۲. حاجی محمد خان وزیری ۱۳. مقتدی مبشری ۱۴. علی انتظام الملک (انتظام وزیری بعدی) ۱۵. شیخ عبدالسلام (معلم عربی و فقه مدرسه‌ی کمالیه) ۱۶. میرزا عبدا... (پسر مرحوم صدرالسادات)

عکس از کتاب سلطنت علم و دولت فقر علی ابوالحسنی، ص ۳۹۳ و از آرشیو خاندان حسینی زنجان

آن چه از گزارش روزنامه‌ی تربیت می‌توان استنباط و استناد نمود، این است که مدرسه‌ی کمال در زنجان قبل از مدرسه‌ی همایونی و حتی قبل از به حکومت رسیدن وزیر همایون^۱ و در زمان حکومت شاهزاده عزالدوله تأسیس و ظاهراً در مدت کمی هم بساطش برچیده شده است و اغلب دانش‌آموزان و حتی معلمین آن به مدرسه‌ی همایونی منتقل شدند. همان گونه که میرزا احمد

۱. وزیر همایون در مرداد ۱۲۸۲ خورشیدی به عنوان حاکم خمسه وارد زنجان شد. روزنامه‌ی ایران سلطانی به شماره‌ی نهم، سال پنجاه و ششم، سه شنبه ۳ جمادی‌الاولی سنه‌ی ۱۳۲۱ برابر با پنجم مرداد (اسد) ۱۳۸۲ می‌نویسد: از قرار معلوم این دو روزه جناب وزیر همایون حکمران بمركز حکومت زنجان وارد می‌شوند. در حالی که در تیر ماه همان سال میرزا احمد جواهری به مجلس امتحان مدرسه‌ی کمال از سوی مدیر مدرسه دعوت می‌گردد و در آن حضور می‌یابد.



دو‌ساز هم در گزارش خود آورده که: "هر چند این مدرسه آن قوام و مغز مایه‌ی^۱ که باید و شاید ندارد اما امیدواریم هلال بدر گردد و شام بی‌قدر شب قدر شود».

میرزا علی اصغر خان مشیرالممالک در روزنامه‌های ادب و ثریا به گزارش تأسیس مدرسه‌ی همایونی پرداخته و تاریخ دقیق آن را، این گونه می‌نویسد: "... این مدرسه که بهمت و شاه پرستی و وطن پروری حضرت مستطاب اجل اکرم آقای وزیر همایون تأسیس یافته است اگرچه افتتاح آن در ماه شعبان یک‌هزار و سیصد و بیست و یک هجری بود و در بادی امر دکتر کمال‌الدین محمود که از تربیت یافتگان مدرسه‌ی اسلامبول است سمت معلمی در آنجا داشت.^۲ ثانیاً معلمی که از طهران حکومت جلیله‌ی زنجان خواستند و همت وطن پرورانه‌ی مجلس محترم معارف و فیلسوف بزرگوار جناب شریعتمدار حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی منتخب و فرستاده شد معتمدالسلطان حاج علی‌محمد خان مترجم همایون است که در شهر شوال سال مزبور وارد زنجان شده اینک دو ماه و کسری است که بمعاونت دکتر مزبور تبه‌ی ناظمی این مدرسه را قبول کرده مشغول تعلیم محصلین آن هستند."^۳

بنا بر این در این که وزیر همایون مؤسس مدرسه‌ی نوین در زنجان بوده و اولین مدرسه بودن مدرسه‌ی همایونی در دارالسعاده‌ی خمسه، باید به دیده‌ی تردید نگریست و تا به دست آمدن منابع جدید، "مدرسه‌ی کمال" را اولین مدرسه‌ی نوین زنجان دانست. تنها با این استدلال می‌توان مدرسه‌ی همایونی را اولین مدرسه‌ی زنجان دانست که مورد تأیید وزارت معارف واقع شده و از طرف انجمن معارف، معلمی را برای تعلیم و تعلم مأمور و روانه‌ی زنجان و مدرسه‌ی همایونی کرده‌اند و در واقع شاید بتوان این گونه پذیرفت که مدرسه‌ی کمال اولین مدرسه‌ی نوین زنجان و مدرسه‌ی همایونی اولین مدرسه‌ی نوین رسمی و دولتی هستند.

این نکته هم قابل ذکر است که معلمین دیگر از جمله دکتر کمال‌الدین محمود معروف به دکتر کمال افندی، قبل از مترجم همایون به عنوان معلم در زنجان حضور یافته‌اند و متأسفانه مدارکی از اسامی مؤسسين این مدرسه به دست نیامد ولی با توجه به این که نام مدرسه همنام دکتر کمال بود، شاید بتوان ادعا نمود که مؤسس مدرسه هم او بوده است.

۱. مایه‌ای

۲. در ثریا اینجا کلمه‌ی «ولی» آمده

۳. روزنامه‌ی ادب، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، دوشنبه ۸ صفر الخیر ۱۳۲۲، ۲۵ آوریل ۱۹۰۴ و ۵ اردیبهشت ۱۲۸۳ و روزنامه‌ی ثریا، سال پنجم، شماره‌ی ۳۹، چهارشنبه بیست و چهار صفرالمظفر ۱۱، ۱۳۲۲، مه ۱۹۰۴، ۲۱/۰۲/۱۲۸۳



شاهزاده عبدالصمد میرزا عزالدوله سالور برادر ناصرالدین شاه

که سه دوره به حکومت زنجان رسید



میرزا علی اصغر خان مشیرالممالک

منابع

- روحانی، محمد رضا، فرهنگنامه‌ی زنجان
- قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی. تهران، چاپ اول ۱۳۷۷
- روزنامه‌ی تربیت
- روزنامه‌ی ثریا
- روزنامه‌ی ادب
- روزنامه‌ی ایران سلطانی
- کانال تلگرامی ممالک محروسه‌ی ایران